

فردریک چارلز کاپلستون

# تاریخ فلسفه

جلد یکم

یونان و روم

مترجم

سید جلال‌الدین مجتبوی



۱۳۹۹

## فهرست مطالب

یازده	یادداشت ناشران
دوازده	کاهلستون و تاریخ فلسفه او
هفده	یادداشت مترجم بر چاپ دوم
۱	پیشگفتار نویسنده

۶	فصل ۱: مقدمه
	۱. چرا باید تاریخ فلسفه را مطالعه کرد؟ ۲. ماهیت تاریخ فلسفه؛ ۳. چگونه تاریخ فلسفه را مطالعه کنیم؟ ۴. فلسفه باستان.

### بخش یکم فلسفه پیش از سقراط

۲۱	فصل ۲: مهدفکر غربی: ایونیا
۳۱	فصل ۳: پیشگامان: نخستین فلاسفه ایونی ۱. طالس؛ ۲. آناکسیمندر؛ ۳. آناکسیمنس.
۳۹	فصل ۴: جمعیت فیثاغوریان
۴۹	فصل ۵: پیام هراکلیتس
۶۰	فصل ۶: واحد پارمنیدس و ملیسوس
۶۸	فصل ۷: دیالکتیک (جدل) زنون ۱. دلایل علیه کثرت انگاری فیثاغوری؛ ۲. دلایل علیه نظریه فیثاغوریان راجع به مکان تهی (بدون شاغل)؛ ۳. احتجاجات درباره حرکت؛ توضیح درباره «همه

## مهد فکر غربی: ایونیا

وادی فلسفه یونانی ساحل آسیای صغیر و نخستین فیلسوفان یونانی از مردم ایونیا<sup>۱</sup> بودند. در حالی که خود یونان، در نتیجه تاخت و تازهای دریایی<sup>۲</sup> در قرن یازدهم ق.م. که فرهنگ باستانی آن را در خود فرو برد، در بی نظمی یا وحشیگری نسبی به سر می برد، ایونیا روح تمدن کهن تر را حفظ کرد،<sup>۳</sup> و همر به جهان ایونی تعلق داشت، ولو آنکه اشعار همر از حمایت و ترویج اشرفیت جدید آخایی<sup>۴</sup> برخوردار بود. با آنکه اشعار همری را در واقع نمی توان يك اثر فلسفی نامید (هرچند این اشعار به سبب آنکه از مراحل خاصی از طرز تفکر و سبک زندگی یونانی برده برمی دارد دارای ارزش بسیار است و تأثیر تربیتی آنها بر یونانیان زمانهای بعد را نمیتوان چیز شمرد) زیرا افکار پراکنده فلسفی که در آن اشعار رخ می نمایند بسیار دور از نظم و اسلوب اند (البته به مراتب کمتر از آنچه در اشعار هزیود<sup>۵</sup>، نویسنده حماسی سرزمین اصلی یونان، دیده می شود، که در اثر خویش نظریه بدبینانه خود را نسبت به تاریخ، عقیده راسخ خود را به حکومت قانون در عالم حیوانی و شیفتگی اخلاقی خود را نسبت به عدالت در میان آدمیان تصویر کرده است)، این نکته پرمعنی است که بزرگترین شاعر یونان و سرآغاز فلسفه منظم هردو به ایونیا تعلق دارند. اما این دودستاورد بزرگ نبوغ ایونی، یعنی اشعار همر و جهانشناسی

1. Ionia 2. Dorian 3. Aegean

۴. «در ایونیا بود که تمدن جدید یونانی رخ نمود: ایونیا که در آن خون و روح اژه ای بیشتر باقی مانده بود، به یونان جدید دانش آموخت، آن را صاحب پول مسکوک، ادبیات، هنر و شعر کرد، و دریاوردانش، که فنیقیها را از پیش رانده بودند، فرهنگ نوین خود را به جاهایی که در آن زمان آخرین نقاط زمین می پنداشتند بردند.» هال، تاریخ قدیم خاور نزدیک، ص ۷۹.

5. Achaean 6. Hesiod

ایونی، درست دنبال یکدیگر نیامده است؛ لاقلاً، هر نظری که دربارهٔ مصنف، سبک انشاء و تاریخ یا تاریخهای اشعار همری داشته باشیم، به اندازهٔ کافی روشن است که جامعهٔ منعکس شده در آن اشعار جامعهٔ دورهٔ جهانشناسی ایونی نیست، بلکه به عصر ابتدائی تری تعلق دارد. همچنین، جامعهٔ ای که هزیود، یکی از دو شاعر بزرگ حماسی و متأخر بر شاعر دیگر، توصیف کرده است فریاد دوری است از شهر (Polis) یونانی، زیرا بین آن دو، سقوط نیروی اشرافیت اصیل رخ داده بود، سقوطی که رشد آزاد زندگی شهری را در سرزمین اصلی یونان ممکن ساخت. زندگی قهرمانی که در ایلیاد<sup>۷</sup> نمایش داده شده است و نیز حاکمیت اشرافیت زمینداری که در اشعار هزیود از آن سخن رفته است هیچ یک زمینه‌ای برای رشد فلسفه نبود: برعکس، فلسفهٔ اولیهٔ یونانی، هر چند طبیعتاً محصول کار افراد بود، دستاورد مدینه و تا اندازه‌ای بازتاب حکومت قانون و مفهوم قانون نیز بود که پیش از سقراطیان به طور منظم در جهانشناسیهای خود نسبت به کل جهان بسط و توسعه دادند. بدین سان به یک معنی بین اعتقاد همری به یک قانون نهائی یا سرنوشت یا مشیّتی که بر خدایان و آدمیان حکومت می‌کند، و تصویر هزیودی عالم و خواسته‌های اخلاقی این شاعر، و جهانشناسی اولیهٔ ایونی نوعی استمرار وجود دارد. وقتی زندگی اجتماعی مستقر شد، آدمیان توانستند به تفکر عقلی، روی آورند، و در دورهٔ کودکی فلسفه، طبیعت به عنوان یک کل بود که نخستین بار توجه آنان را به خود جلب کرد. از دیدگاه روان‌شناختی این تنها چیزی است که می‌توان انتظار داشت.

بدین سان، اگرچه انکار نکردنی است که فلسفهٔ یونانی در میان مردمی پدید آمد که تمدنشان به زمانهای قبل از تاریخ یونان بازمی‌گشت، آنچه ما فلسفهٔ ابتدائی یونانی می‌نامیم فقط نسبت به فلسفهٔ بعدی یونانی و شکوفایی فکر و فرهنگ یونان در سرزمین اصلی «ابتدائی» است؛ نسبت به قرنهای مقدم بر پیشرفت یونانی می‌توان آن را به عنوان ثمرهٔ تمدن بالغ و رشد کرده‌ای نگرست، که از یک سو حکایت از پایان گرفتن دورهٔ عظمت ایونی دارد و از سوی دیگر شکوفایی فرهنگ یونانی<sup>۸</sup> (هیلنیک: یونانی خالص یا یونان باستان) و بخصوص فرهنگ آتنی را نوید می‌دهد.

ما تفکر فلسفی ابتدائی یونانی را به عنوان محصول نهائی تمدن باستانی ایونی معرفی کردیم، لکن باید به خاطر داشت که ایونیا محل تلاقی غرب و شرق بوده است، به طوری که می‌توان این سؤال را مطرح کرد که آیا فلسفهٔ یونانی از تأثیرات شرقی برخوردار بوده است، مثلاً آیا از بابل یا مصر اقتباس شده است یا نه. این نظریه مورد اعتقاد بوده است، لیکن ناگزیر